





وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده حکمت معاصر
گروه حکمت اسلامی معاصر

رساله دکتری رشته حکمت متعالیه

بررسی مبانی حکمی نمادها در هنر اسلامی ایرانی از منظر حکمت متعالیه صدرایی

استاد راهنما:

دکتر طاهره کمالی زاده

استاد مشاور:

دکتر ایرج داداشی

دانشجو:

احمد رضا هنری

شهریورماه 1397

سپاسگزاری

از زحمات بی دریغ استاد گرانقدرم سرکار خانم دکتر کمالی زاده که به عنوان استاد راهنما در انجام این پژوهش لحظه به لحظه در کنار من حضور داشتند و از راهنمایی های ارزشمند خود اینجانب را بهره مند ساختند و هم چنین جناب آقای دکتر داداشی که به عنوان مشاور همواره من را مورد لطف و عنایت خود قرار دادند، صمیمانه تشکر و قدردانی می نمایم.

تقدیم

این اثر را به پدر و مادر و به خصوص به همسر و فرزند عزیزم تقدیم می‌کنم که همواره در تمام فراز و نشیب‌ها حامی من بوده‌اند؛ بی‌تردید بدون همراهی آنان این مهم تحقق نمی‌یافت.

چکیده

بهره‌گیری از رمز و نماد جهت انتقال معانی و مفاهیم مختلف در فرهنگ و تمدن بشری دارای سابقه‌ای طولانی است که تا به امروز نیز ادامه دارد. دسته‌ای از رمزها به صورت قراردادی جهت حکایت از مفاهیم متعارف مورد استفاده قرار می‌گیرند و دسته‌ای دیگر نیز دارای کاربردی عمیق‌تر و حاکی از معانی متافیزیکی‌اند. این‌گونه کاربرد رمز در فرهنگ‌ها و تمدن‌های سنتی در حوزه‌های مختلفی از جمله حکمت و هنر مورد استفاده قرار می‌گرفته است. در فرهنگ و تمدن اسلامی نیز این شیوه وجود داشته است که به عنوان نمونه در آثار عرفا می‌توان آن را مشاهده نمود. در عرصه حکمت نیز این مسأله قابل بررسی است چنان‌که در آثار ابن‌سینا و به خصوص به طور گسترده و نظام‌مند در حکمت اشراق این شیوه وجود دارد. اما مسأله‌ای که شایسته بررسی و تأمل است این است که این شیوه در حکمت متعالیه چه جایگاهی دارد؟ آیا حکمت متعالیه می‌تواند به لحاظ نظری بستری مناسب برای رمزپردازی باشد؟ با توجه به این‌که حکمت متعالیه از منابعی هم‌چون عرفان و حکمت اشراق بهره‌مند بوده است و مبانی حکمی پیشین را تکمیل نموده و بسط داده و هم‌چنین آراء و مبانی عرفانی را به صورت برهانی عرضه نموده است لذا هم در روش و هم در مبانی با رمزپردازی کاملاً سازگار است و بسیاری از مبانی آن را می‌توان در راستای این شیوه مورد توجه قرار داد. در حوزه وجودشناسی با مبانی هم‌چون اصالت وجود، تشکیک در وجود، حمل حقیقت و رقیقت، وجود رابط، رابطه بین رمز و محکی آن را در لایه لایه مراتب وجود و سطوح هستی تبیین می‌نماید؛ در حوزه جهان‌شناسی نیز با نظریه مثل افلاطونی، عالم مثال، تطابق عوالم، حرکت جوهری، جهت بررسی جایگاه جهان‌شناختی رموز تبیین و تحلیل کافی بدست می‌دهد و در عرصه معرفت‌شناختی با نظریه ادراک خیالی، شهود و معرفت نفس مبانی معرفت‌شناختی قوی و غنی برای تبیین و تحلیل معرفتی رموز را ارائه می‌دهد. این مبانی همگی نگاه رمزی به ساختار وجود و هستی را تبیین می‌کنند لذا بر این اساس می‌توان رمزهای مورد استفاده در حوزه‌های دیگر مانند ادبیات و هنر را مورد تحلیل و بررسی قرار داد. این پژوهش جهت نیل به مطلوب از روش توصیفی - تحلیلی استفاده نموده است.

کلید واژه‌ها: رمزپردازی، رمز، نماد، تمثیل، حکمت متعالیه

فهرست مطالب

1.....	پیشگفتار
2.....	فصل اول: کلیات پژوهش
3.....	1. بیان مسأله
4.....	2. اهمیت و ضرورت انجام پژوهش
4.....	3. اهداف پژوهش
5.....	4. قلمرو پژوهش
5.....	5. سؤال‌های پژوهش
5.....	6. فرضیه‌های پژوهش
6.....	7. کاربردهای پژوهش
6.....	8. روش انجام پژوهش
6.....	9. روش و ابزار جمع‌آوری اطلاعات
6.....	10. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات
6.....	11. پیشینه پژوهش
8.....	فصل دوم: رمزپردازی و هنراسلامی
9.....	بخش اول : رمز
10.....	1. مقدمه
10.....	2. معنای لغوی رمز
11.....	3. کاربرد اصطلاحی رمز
11.....	4. دیدگاه حکما و عرفای مسلمان
12.....	1.4. عرفان و رمزپردازی
15.....	2.4. حکما و رمزپردازی
15.....	1.2.4. ابن‌سینا و رمزپردازی
17.....	2.2.4. سهروردی و رمزپردازی
19.....	3.2.4. ملاصدرا و رمزپردازی

19.....	5. دیدگاه حکمای جاویدان خرد.....
21.....	1.5. ساختار رمزگونه هستی.....
21.....	2.5. حکایتگری رمز.....
22.....	3.5. رمز زبان گویای حکمت.....
23.....	4.5. شمول مصداقی رمز.....
23.....	5.5. رمز ومراتب معانی.....
24.....	6.5. قراردادی نبودن رمز.....
24.....	7.5. سایر ویژگی‌ها.....
25.....	6. تفاوت رمز و صناعات ادبی.....
27.....	7. رمز و تمثیل.....
31.....	پی‌نوشت‌ها.....
35.....	بخش دوم: هنر اسلامی
36.....	1. مقدمه.....
37.....	2. مروری بر چیستی هنر اسلامی.....
37.....	3. مروری اجمالی بر معنای هنر.....
37.....	1.3. واژه شناسی هنر.....
40.....	2.3. هنر دینی.....
41.....	3.3. هنر دینی در اندیشه حکمای جاویدان خرد.....
42.....	1.3.3. ویژگی‌های هنر سنتی و هنر قدسی.....
46.....	4.3. هنر اسلامی.....
48.....	5.3. ویژگی‌های هنر اسلامی.....
49.....	1.5.3. وحدت شخصیت.....
49.....	2.5.3. دین محوری.....
49.....	3.5.3. عدم استفاده از تصویر موجود زنده.....
51.....	4.5.3. استفاده گسترده از عناصر تزئینی.....
52.....	5.5.3. کاربردی بودن هنر اسلامی.....
52.....	6.5.3. پیوند هنر و زیبایی.....

52.....	7.5.3. رئالسیم یا واقع‌گرایی
53.....	8.5.3. هنر اسلامی هنری فرافردی
53.....	9.5.3. ایجاد فضای معنوی و کیفی
54.....	6.3. رمزپردازی در هنر اسلامی
54.....	7.3. شواهدی بر رمزپردازی در هنر اسلامی
54.....	1.7.3. جهانبینی اسلامی
55.....	2.7.3. زبان قرآن
57.....	3.7.3. پیوند حکمت و هنر
62.....	پی‌نوشت‌ها
64.....	فصل سوم: رمزپردازی و حکمت متعالیه
65.....	بخش اول: سازگاری رمزپردازی با حکمت متعالیه
66.....	1. مقدمه
66.....	2. شناخت و تسلط صدرا بر آراء فلاسفه و اندیشمندان گذشته
66.....	3. نگاه رمزی صدرا به حکمت پیشینیان
68.....	4. روش حکمی و فلسفی صدرا
70.....	5. نفس انسانی رمزی از مبدأ هستی
71.....	6. تمثیل نور
72.....	7. نگاه رمزی صدرا به قرآن
73.....	1.7. تأویل صحیح و تأویل باطل
74.....	2.7. روش صدرا در تأویل
75.....	3.7. تفسیر به رأی در اندیشه صدرا
76.....	4.7. صاحبان تأویل
76.....	5.7. تأویل در کل قرآن
77.....	6.7. تفسیر و تأویل
78.....	7.7. رمزپردازی و تأویل
79.....	8. مبانی حکمت متعالیه مبنایی قوی و غنی برای رمزپردازی
81.....	پی‌نوشت‌ها

82.....	بخش دوم: تبیین مبانی حکمی رمزپردازی بر اساس حکمت صدرایی
83.....	1. مقدمه
84.....	2. مبانی هستی‌شناختی
84.....	1.2. اصالت وجود
87.....	2.2. تشکیک در وجود
93.....	3.2. حمل حقیقت و رقیقت
95.....	4.2. وجود رابط معلول
96.....	3. مبانی جهان‌شناختی
96.....	1.3. مُثُل افلاطونی
100.....	2.3. تطابق عوالم
103.....	3.3. عالم مثال
106.....	4.3. حرکت جوهری
110.....	4. مبانی معرفت‌شناختی
110.....	1.4. ادراک خیالی
112.....	2.4. شهود
114.....	3.4. معرفت نفس
118.....	پی‌نوشت‌ها
120.....	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
128.....	پیوست‌ها
129.....	پیوست 1: رمز از منظر روانشناسی فروید و یونگ
131.....	پیوست 2: رمز و نشانه‌شناسی
135.....	پیوست 3: نظریات مختلف در باب تعریف هنر
138.....	پیوست 4: نظریات پیرامون هنر دینی
141.....	پیوست 5: رویکردهای مختلف درباره هنر اسلامی
156.....	پیوست 6: رویکردهای مختلف پیرامون رمز پردازی در هنر اسلامی
163.....	کتابنامه
172.....	چکیده انگلیسی

پیشگفتار

در طول تاریخ حیات بشری، انسان برای برقراری ارتباط و انتقال مقاصد و مفاهیم خود به سایر هم‌نوعانش از روش‌های گوناگون و متنوعی بهره برده است. از جمله این روش‌ها می‌توان به بیان غیر صریح اشاره کرد که همواره با کاربرد علائم، اشکال، رموز و ... همراه بوده است. به دلایل مختلفی از جمله انتقال سریع و آسان مفاهیم، این روش در فرهنگ و تمدن انسانی جایگاه خاص خود را داشته است که رمزپردازی نیز در زمره این روش قرار می‌گیرد. گاهی رموزها به صورت قراردادی در مورد مقاصد و مفاهیمی به کار رفته‌اند که مربوط به امور زندگی مادی و ناشی از نیازها و ضرورت‌های مربوط به جامعه انسانی است که از جمله می‌توان به زبان، علائم مختلفی که در سامان بخشی نظم اجتماعی کاربرد دارند یا علائم اختصاری مورد استفاده در علوم و ... اشاره نمود. گاهی نیز رموزها کارکردی وسیع‌تر و عمیق‌تر داشته و در عرصه جهانی و نگاه کلان به هستی به کار رفته‌اند. این‌گونه رموزها منشأ متافیزیکی داشته و همواره در ادیان، اندیشه‌های عرفانی و باطنی و ... مورد استفاده بوده و عموماً کارکردهایی آیینی نیز داشته‌اند. در فرهنگ و تمدن اسلامی نیز این شیوه مورد توجه و اهتمام عرفا و حکما بوده است و هم‌چنین در جهانی اسلامی و زبان قرآن نیز این مسأله قابل مشاهده است. در دوران معاصر حکمای جاویدان خرد که تحقیقات گسترده‌ای را پیرامون ادیان و تمدن‌های سنتی انجام داده‌اند، به این روش پرداخته و سعی در بازخوانی و احیاء مجدد آن داشته‌اند. از نظر آنان رمزپردازی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های یک تمدن سنتی است که در عرصه‌های مختلف آن از جمله مناسک و آیین‌های دینی، حکمت و هنر کاربرد داشته است. این شیوه از رمزپردازی که جنبه متافیزیکی دارد حتماً باید دارای مبانی محکم حکمی باشد تا امری معقول و پذیرفتنی باشد و بتوان در عرصه بیان حقائق هستی به آن اعتماد نمود.

این پژوهش به دنبال بازخوانی مبانی رمزپردازی در حکمت اسلامی با رویکرد حکمت صدرایی است. برای دست‌یابی به مطلوب، این مسأله در سه بخش دنبال شده است. بخش اول مربوط به کلیات پژوهش است که به تعریف مسأله، سؤال‌ها، فرضیه، و اهداف پژوهش، بررسی پیشینه و ادبیات موضوع، روش و ... می‌پردازد. بخش دوم با عنوان رمزپردازی شامل دو فصل است. در فصل اول واژه رمز در اندیشه عرفا و حکمای اسلامی و حکمای جاویدان خرد مورد بررسی قرار می‌گیرد. و از آنجا که یکی از عرصه‌های مهم و پرکاربرد رمزپردازی، هنرهای سنتی است و هم‌چنین این پژوهش در عرصه فرهنگ و تمدن اسلامی انجام می‌گیرد لذا فصل دوم به هنر اسلامی اختصاص یافته است. در این فصل دو مسأله مورد توجه است: 1- مروری بر چیستی هنر اسلامی 2- مسأله رمزپردازی در هنر اسلامی. از آنجا که مباحث پیرامون هنر اسلامی خود به پژوهش و بلکه به پژوهش‌های مستقلی نیازمند است، ورود به این بحث به لحاظ اهمیت حوزه هنر و ارتباطش با شیوه رمزپردازی است. به همین خاطر بر اساس مبانی ارائه شده، رموزها در عرصه‌های مختلف از جمله هنر اسلامی می‌توانند مورد تحلیل و بررسی قرار گیرند. بخش سوم نیز با عنوان رمزپردازی و حکمت متعالیه شامل دو فصل است. در فصل اول مسأله سازگاری و سنخیت رمزپردازی با حکمت متعالیه تبیین و شواهدی بر این امر اقامه می‌گردد و سپس در فصل دوم به طور تفصیلی مبانی حکمت متعالیه به عنوان مبانی رمزپردازی و ارتباط آن‌ها با یکدیگر تبیین و تحلیل می‌شود. در نهایت نیز ماحصل کلام و آنچه از این پژوهش نتیجه می‌شود تحت عنوان جمع‌بندی و نتیجه‌گیری بیان گردیده است.

فصل اول

کلیات پژوهش

1. بیان مسأله

در فرهنگ و تمدن بشری همواره استفاده از رمز و نماد برای بیان غیر صریح متداول بوده است. ساده‌ترین و رایج‌ترین آن‌ها نمادها و علائمی هستند که در زندگی روزمره کاربرد فراوانی دارند و بخش عمده‌ای از ارتباطات و انتقال مفاهیم بین انسان‌ها را بر عهده دارند. مثال‌های زیادی را می‌توان در این‌باره بیان کرد. از جمله آن‌ها زبان است که اولین و مهم‌ترین عنصر ارتباطی بین انسان‌هاست. یکی از کارکردهای رمز و نماد برای بیان حقائق مابعدالطبیعی بوده است که ادیان و مکاتب باطنی همواره از این روش بهره‌افراوان برده‌اند. رموزها و نمادها را به طور کلی می‌توان در دو دسته جای داد. دسته اول نمادها و رمزهایی‌اند که به توافق و قرارداد خاص یا عام انسان‌ها در طول زمان ایجاد شده و مورد استفاده قرار گرفته‌اند. مانند زبان و بیشتر علائمی که در طول زندگی روزمره مورد استفاده انسان‌ها قرار می‌گیرد که به توافق عام حاصل شده است. رموزها و علائمی که در هر یک از رشته‌های علمی نیز وجود دارد از این سنخ است که به توافق خاص اهالی آن علم ایجاد شده است. دسته دوم رمزهایی است که از رمزه‌های این عالم مادی گذر کرده و بر حقائق مابعدالطبیعی دلالت می‌کند که از رهگذر دریافت‌های شهودی و عقلی برای انسان حاصل شده است. در این دسته قرارداد جمعی یا گروه خاصی از انسان‌ها جایگاهی ندارد بلکه حقیقت مابعدالطبیعی و شهود آن تعیین‌کننده رمز هستند و بین آن‌ها رابطه‌ای وجودی و فطری برقرار است. در فرهنگ اسلامی این روش مسبوق به سابقه است. عرفا و حکمای مسلمان به انگیزه‌های مختلف از این روش برای بیان تعالیم خود استفاده نموده و همواره به قرآن و حدیث چنین نگاهی را داشته‌اند که ظواهر قرآن و حدیث دلالت بر معانی عمیقی دارد که در دسترس همگان نیست و یافتن آن به وسیله راه‌های معمول کسب علم و تجربه امکان ندارد. در دوران معاصر نیز که تمدن مدرن از همه‌مظاهر سنت عبور کرده و بنیان‌های نوینی را برپا ساخته است حکمای جاویدان خرد که به سنت‌گرایان مشهور شده‌اند این اندیشه را ترویج می‌کنند و معتقدند که در همه‌تمدن‌های سنتی که مبتنی بر وحی و اصول الهی بوده‌اند این روش وجود داشته است.¹ بنیان رمزه‌های دسته اول را قرارداد انسان‌ها تشکیل می‌دهد اگرچه ایجاد چنین رمزهایی نیز باید بر اساس ضوابطی صورت گیرد اما اصل و اساس آن همان قرارداد است؛ اما در دسته دوم رمزه‌ها مبتنی بر دیدگاهی خاصی نسبت به نظام هستی و وجود است لذا به بنیان‌های قوی فلسفی و حکمی نیاز است که بتوانند تبیینی را از نظام وجود ارائه دهند که در آن چارچوب، شیوه رمزپردازی متافیزیکی و مابعدالطبیعی که همان دسته دوم هستند، امری پذیرفتنی و معقول باشد. چنان‌که اشاره شد در عرفان و حکمت اسلامی این روش متداول بوده است. عرفا به صورت گسترده‌ای از این روش استفاده نموده‌اند. در عرصه حکمت نیز ابن‌سینا و سهروردی از این روش بهره برده‌اند. ابن‌سینا اگرچه داستان‌های رمزی را به رشته تحریر درآورده است اما این روش به هیچ وجه با اصول و مبانی حکمت مشاء‌سازگاری ندارد. سهروردی برخلاف ابن‌سینا علاوه بر پرداختن به داستان‌های رمزی، حکمت

۱- عقاید این گروه و همچنین عرفا و حکمای مسلمان پیرامون رمزپردازی در بخش آتی به تفصیل بیان می‌گردد.

خود را بر اساس این روش بنیان نهاده است. این روش با چارچوب‌های حکمت اشراق ناسازگاری نداشته اما به طور کامل نیز از عهده تبیین مبانی آن بر نمی‌آید و دچار نقص و خلل‌هایی در این باب است که در مباحث آتی به تفصیل به این مسائل پرداخته خواهد شد. در این پژوهش وضعیت حکمت صدرایی در رابطه با این موضوع مورد نظر است. آیا این حکمت قادر به تأمین مبانی نظری این روش هست؟ اگر چنین است کدام مبانی مرتبط با رمزپردازی هستند و چگونه تحلیل می‌شوند؟ با توجه به این که حکمای جاویدان خرد اهمیت وافر را برای هنر سنتی و قدسی در ادیان، تمدن‌های سنتی و حیات انسانی قائل‌اند و معتقدند که هنر مقوم زندگی انسانی است و از طرفی برخوردار از رمزپردازی را یکی از ویژگی مهم هنرهای سنتی و قدسی می‌دانند، تبیین مبانی حکمی رمزپردازی در حقیقت تبیین مبانی حکمی هنرهای سنتی نیز خواهد بود و براین اساس می‌توان به تحلیل رمزهای موجود در آن‌ها پرداخت.

2. اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

چنان‌که اشاره شد رمزپردازی شیوه‌ای است که در فرهنگ اسلامی دارای پیشینه است و به خصوص در عرصه عرفان و حکمت این مسأله بسیار ملموس است. بر اساس دیدگاه حکمای جاویدان خرد این روش در عرصه‌های مختلف هر تمدن سنتی قابل مشاهده است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها عرصه حکمت و هنر است که در نگاه آنان هنر اسلامی نیز از جمله هنرهای سنتی و قدسی است و دارای این ویژگی است. آنان معتقدند بعد از ظهور تمدن مدرن، تمدن‌های سنتی یکی پس از دیگری رو به افول نهادند و این مسأله منجر به از بین رفتن و یا گسستگی عناصر مختلف آن تمدن‌ها از جمله حکمت و هنر گردید که تمدن اسلامی نیز از آن جمله است. لذا در زمان ما بیش از پیش نیاز به بازیابی هویت فرهنگی و معنوی این مرز و بوم احساس می‌گردد. دو عنصر اساسی که باید در آن‌ها میراث گذشتگان بسیار مورد توجه قرار گیرد و مطابق با شرایط امروز احیاء و ترویج گردد حکمت و هنر است و در هر دو عرصه زبان رمزپردازی وجود دارد. برای این که بتوان از میراث برجای مانده در این دو عرصه بهره برد باید زبان آن‌ها را فهمید و فهم زبان رمز نیازمند مبنا و معیار است تا از سوء فهم و کج‌اندیشی در این باره جلوگیری شود. در صورتی که مبانی حکمی رمزپردازی تبیین گردد می‌توان از آن در تحلیل رمزها در عرصه‌های مختلف از جمله حکمت و داستان‌های رمزی و همچنین هنرهای سنتی بهره برد و از آن‌جا که حکمت متعالیه از مشرب‌های مختلف فکری بهره برده است می‌توان برای دستیابی و تبیین مبانی رمزپردازی به آن رجوع نمود.

3. اهداف پژوهش

با توجه به آن‌چه تا به حال بیان گردید مشخص می‌گردد که هدف اصلی در این پژوهش دستیابی و تبیین مبانی حکمی رمزپردازی از منظر حکمت متعالیه است. با توجه به این که رمزپردازی در عرصه‌های

گوناگونی از جمله حکمت و هنر مورد استفاده قرار گرفته است این مسأله می‌تواند به طرح مجدد رابطه حکمت و هنر منجر شود و زمینه را برای پژوهش‌های بیشتر در این‌باره مهیا نماید و هم‌چنین از مبانی مطرح شده می‌توان برای تحلیل رمزهای موجود در هنرهای سنتی و عرصه‌های دیگر بهره برد.

4. قلمرو پژوهش

قلمرو مکانی این پژوهش مرزهای فرهنگی ایران را در بر می‌گیرد. از آنجا که این پژوهش در حوزه مباحث حکمی و مبانی فلسفی حکمت صدرایی انجام خواهد شد لذا دارای قلمرو زمانی نخواهد بود. قلمرو موضوعی این پژوهش نیز در قلمرو حکمت صدرایی و هنر اسلامی ایرانی انجام خواهد شد.

5. سؤال‌های پژوهش

سؤالاتی که این پژوهش به دنبال پاسخ آن‌ها خواهد بود عبارت‌اند از:

- مقصود از رمز و رمزپردازی چیست؟
- نسبت بین رمز و هنر اسلامی - ایرانی چیست؟
- سازگاری و موضوعیت رمز در حکمت متعالیه چگونه قابل تبیین و تحلیل است؟
- مبانی رمزپردازی در حکمت متعالیه کدام‌اند و در رابطه با این مسأله چگونه تحلیل می‌شوند؟

6. فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌های این پژوهش عبارت‌اند از:

- در اینجا رمز مرادف تمثیل رمزی است و عبارت است از چیزی که حکایت از امری متافیزیکی دارد و دارای تناسب و سنخیت با محکی خود است به گونه‌ای که می‌توان رمز را جلوه و تمثیل حقیقت مورد نظر دانست.
- شیوه رمزپردازی در فرهنگ و تمدن اسلامی مسبوق به سابقه است و یکی از مؤلفه‌های مهم در هنر ایرانی - اسلامی است چنان‌که هم‌چون یک روش در حکمت اسلامی به کار گرفته شده است.
- با توجه به نگاه رمزی ملاصدرا به حکمت پیشینیان، انبیا و اولیای الهی و قرآن، نظریه تأویل وی، استفاده از تعبیر رمزی و تمثیلی در نام‌گذاری آثار و عنوان مطالب و هم‌چنین روش و مبانی صدرا، رمزپردازی در حکمت متعالیه موضوعیت دارد.

• حکمت متعالیه با توجه به بهره‌مندی از مشرب‌های فکری مختلف و ارتباط عمیق و وثیق با حکمت اشراق و عرفان چنین قابلیت‌هایی را داراست تا بتواند مبانی رمزپردازی را ارائه دهد که بر اساس آن رمزها در حوزه‌های مختلف از جمله هنر اسلامی - ایرانی تبیین و تحلیل شوند. برخی از این مبانی عبارت‌اند: از اصالت وجود، تشکیک در وجود، حمل حقیقت و رقیقت، حرکت جوهری، عالم مثال و ادراک خیالی، تطابق عوالم، نفس وجود رابط و...

7. کاربردهای پژوهش

از آنجا که موضوع مورد پژوهش یک موضوع میان رشته‌ای است می‌تواند در هر دو حوزه حکمت و هنر کاربرد داشته باشد. با توجه به مباحثی که در این پژوهش ارائه می‌شود می‌توان رمزها را در حوزه‌های مختلفی هم‌چون ادبیات، عرفان، حکمت، هنر و... تحلیل و تفسیر نمود. هم‌چنین بدین وسیله مسیری ترسیم می‌شود که می‌تواند منجر به برقراری ارتباط بین حکمت و حوزه‌های مختلف از جمله هنر شود که در این صورت یکی از کاربردهای حکمت، بازخوانی و تبیین می‌گردد که همان ارائه مبانی جهت استفاده در عرصه‌های دیگر است.

8. روش انجام پژوهش

چنان‌که از عنوان این پژوهش مشخص است موضوع پژوهش مسأله‌ای کمی نیست لذا از روش متناسب با موضوع یعنی روش توصیفی - تحلیلی استفاده خواهد شد.

9. روش و ابزار جمع‌آوری اطلاعات

در این پژوهش از روش جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای استفاده خواهد شد و ابزار گردآوری اطلاعات نیز به تبع کتاب‌ها، مقالات و سایت‌های اینترنتی مرتبط خواهد بود.

10. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

در این پژوهش از روش تجزیه و تحلیل کیفی به صورت توصیفی، تبیینی و تفسیری استفاده می‌گردد.

11. پیشینه پژوهش

پیرامون مسأله رمزپردازی پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است که عمده‌ترین آن‌ها در آثار حکمای جایدان خرد (سنت‌گرایان) است. به دلیل این که آنان رمزپردازی را یکی از وجوه مهم اندیشه سنتی می‌دانند به وفور در آثارشان به این مسأله پرداخته و ابعاد آن را تشریح کرده‌اند به خصوص رمزپردازی در هنر سنتی و قدسی که جایگاه مهمی را در آثار ایشان دارد. ایشان در آثار متعددشان هم به تبیین نظریه

رمزپردازی پرداخته‌اند و هم به تبیین و تحلیل برخی رمزها در فرهنگ‌ها و ادیان مختلف. در میان نویسندگان فارسی زبان نیز می‌توان به کتاب رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی تألیف تقی پورنامداریان، اشاره نمود. مولف در این کتاب پس از بحثی مفصل پیرامون رموز و رویکردهای مختلف نسبت به آن، از منظر داستان‌های رمزی در ادبیات فارسی به این مسأله می‌پردازد و تحلیلی را از داستان‌های رمزی ابن‌سینا و سهروردی ارائه می‌دهد. هم‌چنین جلال ستاری در آثار خود به این موضوع پرداخته که از جمله آن‌ها کتاب رمزاندیشی و هنر قدسی است. وی در این کتاب به تبیین مسأله رمزپردازی و جایگاه آن در هنر سنتی و قدسی پرداخته است. فرهنگ‌های مختلفی نیز در این‌باره وجود دارد که به جمع‌آوری رمزها و نمادها پرداخته و معانی مختلفی که از آن‌ها اراده می‌شود را بیان نموده است که از آن جمله می‌توان به فرهنگ نمادها تألیف ژان شوالیه اشاره نمود. با توجه به جستجوهای که انجام گرفته است در رابطه با موضوع این پژوهش فقط یک مقاله با عنوان «بررسی مبانی حکمی رمز و نماد در اندیشه ملاصدرا» (امینی، 1395، ص 80-93) یافت گردید. در این مقاله نویسنده فقط به بررسی دو مبنای حقیقت و رقیقت و عالم مثال پرداخته است. در این پژوهش به ابعاد وسیع‌تری از حکمت متعالیه پرداخته خواهد شد؛ در ابتدا به تفصیل دیدگاه حکما و عرفای مسلمان پیرامون رمز و رمزپردازی بررسی خواهد شد و سپس ادله و شواهدی بر سازگاری این مسأله با حکمت متعالیه و هم‌چنین توجه و شناخته ملاصدرا نسبت به رمزپردازی ارائه می‌گردد و در نهایت مبانی متعددی از حکمت متعالیه در این رابطه تبیین خواهد شد.

فصل دوم

رمزپردازی و هنر اسلامی

بخش اول : رمز
بخش دوم: هنر اسلامی

بخش اول : رمز

1. مقدمه

رمزپردازی شیوه‌ای است که همواره در طول تاریخ تمدن‌ها، ادیان و مکاتب مختلف بشری از آن بهره برده‌اند؛ و در عرصه‌های مختلف تمدن اسلامی نیز قابل مشاهده است. از آنجا که این پژوهش قصد دارد به تبیین مبانی حکمی رمزپردازی با توجه به حکمت صدرایی بپردازد در ابتدا لازم است پیرامون واژگان نماد، رمز و نشانه که به لحاظ معنای لغوی بسیار به یکدیگر نزدیک هستند مطالبی بیان شود. این سه واژه علی‌رغم تشابه معنایی و لغوی، کاربرد اصطلاحی متفاوتی دارند و رویکردهای مختلفی در باب آن‌ها وجود دارد. لذا جهت روشن شدن مسیر پژوهش این واژگان هم به لحاظ لغوی و هم به لحاظ اصطلاحی مورد بررسی قرار گرفته و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها بیان می‌گردد؛ و پس از بیان رویکردهای مختلف در این باب رویکرد منتخب این پژوهش مشخص می‌شود.

2. معنای لغوی رمز

رمز کلمه‌ای است عربی که در زبان فارسی نیز به کار می‌رود. این کلمه در زبان فارسی همانند عربی به معنای گوناگونی به کار رفته است. در قرآن کریم نیز این واژه یکبار آمده است⁽¹⁾ (آل عمران، 41). در کتاب‌های فرهنگ لغت معانی متعددی برای واژه «رمز» بیان گردیده است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: پوشیده گفتن، پوشیده نمودن، راز نهفته، سرّ، نشانه مخصوصی که از آن مطلبی درک شود (معین، 1384، ج 2، ص 1181)⁽²⁾. نماد و نشانه از جمله واژگانی هستند که به لحاظ لغوی معنایی نزدیک به رمز دارند. اغلب واژه نماد و رمز به صورت مترادف و در ترجمه واژه «symbol» به کار می‌رود (آریان‌پور، 1377، ج 5، ص 5108)⁽³⁾. برای واژه نشانه نیز معانی مختلفی ذکر شده است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: آن‌چه سبب شناختن کسی یا چیزی شود، علامت، نشان، اثر، حرکت یا حالتی که نشان‌دهنده فکری یا دستوری است⁽⁴⁾ (معین، 1384، ج 4، ص 3251). از معانی بیان شده می‌توانیم به چند نکته اشاره کنیم: اول این که آن‌چه که در بین معانی رمز مشترک است عبارت است از: دلالت بر امری مخفی و پوشیده. دوم: رمز در مصداقی خاص محدود نمی‌شود و می‌تواند مصداق گسترده‌ای داشته باشد. به عبارتی دیگر هر پدیده‌ای می‌تواند به عنوان یک رمز تلقی گردد. سوم: معانی بیان شده اشاره صریحی به قراردادی یا غیر قراردادی بودن رمز ندارد بلکه هر دو حالت را شامل می‌شود؛ لذا هر چیزی که قابلیت دلالت بر چیزی دیگر داشته باشد را می‌توان به عنوان رمز یا نماد در نظر گرفت؛ البته این مطلب با توجه به معنای لغوی است اما با توجه به کاربرد اصطلاحی شرایط دیگری نیز لحاظ می‌شود که بدان‌ها اشاره خواهد شد. چهارم: تفاوت معنای لغوی نشانه با رمز در این است که در رمز تاکید بر باطنی بودن، پوشیدگی و مخفی بودن مورد نظر است اما در معنای نشانه چنین چیزی لحاظ نشده و پوشیدگی و مخفی بودن نقش محوری در معنای نشانه ندارد؛ یعنی نشانه بر امری دلالت دارد که معلوم و آشکار است.

3. کاربرد اصطلاحی رمز

کاربرد اصطلاحی رمز بستگی به رویکردی دارد که در رابطه با این واژه در نظر گرفته می‌شود و با توجه به دیدگاه‌های مختلف کاربرد این واژه نیز متعدد می‌گردد. در این‌باره رویکردهای متعددی وجود دارد که به طور کلی می‌توان آن‌ها را در دو دسته تقسیم‌بندی نمود. رویکرد اول نگاهی طولی و متافیزیکی به مسأله رمز دارد و رویکرد دوم در مقابل آن است و نگاهش عرضی و غیرمتافیزیکی است. دیدگاه عرفا و حکمای مسلمان و حکمای جاویدان خرد (سنت‌گرایان)⁽⁵⁾، که در دوره معاصر با نگاهی فلسفی و عرفانی به مسأله رمز و رمزپردازی می‌پردازند، در زمره رویکرد اول قرار می‌گیرند. دیدگاه روانشناسی تجربه‌گرا - که در آثار فروید و یونگ می‌توان ملاحظه نمود - و هم‌چنین علم نشانه‌شناسی - که پیرس و سوسور از جمله بنیانگذاران آن هستند - در زمره رویکرد دوم هستند (ن.ک به پیوست 1 و 2). در این پژوهش رویکرد اول مورد نظر است و مبانی حکمی این رویکرد بر اساس حکمت صدرایی تبیین خواهد شد. اگر چه ممکن است دیدگاه عرفا و حکمای مسلمان با دیدگاه حکمای جاویدان خرد از جهاتی مشترک و نزدیک به یکدیگر باشند اما از این جهت که این پژوهش در حوزه فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی انجام می‌گیرد و هم‌چنین بدین لحاظ که رمزپردازی در بین فلاسفه و عرفای مسلمان به عنوان یک روش مطرح بوده لذا شایسته است که به طور مستقل به این مسأله در فلسفه و عرفان اسلامی اشاره گردد؛ و از آنجا که حکمای جاویدان خرد در دنیای معاصر چنین دیدگاهی را ترویج می‌کنند به آراء آن‌ها اشاره خواهد شد. البته باید توجه داشته باشیم امروزه وقتی از رمز سخن می‌رود بیشتر معنی خاص و اصطلاحی آن در ادبیات و روانشناسی مدرن مورد نظر است که در نقطه مقابل آن رویکرد حکمای جاویدان خرد قرار دارد.

4. دیدگاه حکما و عرفای مسلمان

با وجود این که رمزپردازی سابقه‌ای طولانی به بلندای تاریخ بشر دارد می‌توان گفت که در فرهنگ و تمدن اسلامی تاریخی مقارن با ظهور خود اسلام و نزول قرآن دارد و در بین اندیشمندان مسلمانی که قائل به تعالیم باطنی بوده‌اند این شیوه جایگاه مهمی داشته است. با توجه به برخی احادیث که سلسله اسناد آن‌ها به پیامبر عظیم الشان اسلام می‌رسد، این عقیده وجود داشته که قرآن دارای ظاهر و باطن (و یا باطن‌هایی) است (کلینی، بی‌تا، ج 2: 598)؛ ظاهر در دسترس همه است اما عده کمی به باطن آن دسترسی دارند که در اعتقادات شیعه این باطن در اختیار امام است. این در حقیقت نگاهی رمزگونه به ظاهر قرآن است که حکایت از معانی باطنی در ورای این ظاهر دارد. این عقیده در بین برخی گروه‌های مختلف اسلامی از جمله شیعه، عرفا و متصوفه وجود داشته است. در رسائل اخوان الصفا آمده است: «اکثر کلام خدای تعالی و کلام انبیا و اقوال حکما رمزهایی است برای سیری از اسرار به قصد آن که از اسرار مخفی بماند و آن اسرار را جز خداوند تعالی و راسخان در علم نمی‌دانند» (اخوان الصفا، 1412: 343). ناصر خسرو، که حکیمی اسماعیلی مذهب است و اسماعیلیان دارای تعالیم باطنی بوده‌اند، نیز در این‌باره تصریح می‌کند:

«معنی این قول آن است که شریعت‌های پیغمبران علیهم السلام همه به رمز و مثل بسته باشد و رستگاری خلق اندر گشادن آن باشد» (قبادیانی، 1393: 46، 1363: 216-217).

1.4 عرفان و رمزپردازی

رمزپردازی در بین عرفا و متصوفه جایگاهی ویژه داشته است و رواج این شیوه در بین آنان به وضوح مشهود است. آنان در بیان تعلیم خود از این روش بهره برده‌اند و تأویلات قرآنی که آن‌ها در آثار خود بیان کرده‌اند نشان از توجه آن‌ها به این روش است. مولوی در یک رباعی در نهایت ظرافت به موضوع رمز اشاره کرده است:

جان و سر آن یار که او پرده دَرست

این پرده نه پرده است که این پرده دَرست

گر پرده دَرست یار و گر پرده دَرست

این حلقه در بزن که در پرده دَرست

(مولوی، بی‌تا، ص 1356)

در این ابیات پرده همان رمز است که خود مقصود نیست بلکه هم‌چون دری است که انسان را به عالمی دیگر سوق می‌دهد. ابن ترکه نیز معتقد است:

«محققان به انبیاء متقدم و شاگردان‌شان که اولیاء الهی هستند از جمله هرامسه و حکماء متقدم اشاره کرده‌اند که اغلب عبارات‌شان جز به نوعی از رمز و اشاره به مقتضای فهم و ادراک اهلش قصد نکرده‌اند و بر آن جز به تلویحی که در آن نوعی از پوشیدگی و خفا است دلالت نکرده‌اند...» (ابن ترکه، 1360، ص 49).

سخن شاعران همه غمز است

نکته انبیا همه رمزاست

آن بدین غمز خواجگی جوید

وین بدین رمزراه دین پوید

(سنایی، 1383، ص 743)

ابونصر سرآج طوسی در تعریف رمز می‌گوید: «رمز معنی باطنی است که در پشت کلام ظاهری قرار گرفته است و جز اهلش به آن دست نمی‌یابند» (السراج الطوسی، 1914، ص 338). روزبهان بقلی نیز گوید: «رمز معنی باطن است مخزون تحت کلام ظاهر، که بدان ظفر نیابند الا اهل او، (حقیقت) رمز حقایق غیب در دقایق علم به تلفظ لسان سرّ در حروف معکوس است» (بقلی، 1374، ص 561). در فتوحات مکیه رمز چنین تعریف شده است: «رمز و لغز کلامی است که گوینده آن ظاهرش را قصد نکرده است» (ابن‌عربی،